

یادداشت

طرح‌های دولتی شکست خورده‌اند



علی‌اکبر اسماعیل پور | این طرح مانند طرح‌های قبلی به اشکال آشکار اشتغال کودکان پرداخته است؛ دسترسی به کودکان خیابانی آسان است، افکار عمومی را جریحه دار می‌کند و... دلایلی از این دست باعث شده که در تمام این سال‌ها همواره به اشکال آشکار اشتغال کودکان پرداخته شود و کودکان در اشکال پنهان اشتغال همواره استثمار شوند. این طرح عنوان کرده که کودکان زباله‌گرد هم به‌طور

ویژه ساماندهی خواهند شد. این در حالی است که معاونت اجتماعی شهرداری هم طرح ویژه‌ای برای کودکان زباله‌گرد در دست تدوین دارد؛ گذشته از اینکه این طرح‌ها تا چه اندازه به عمل نزدیک باشند اما موازی کاری و هدر دادن منابع سال‌هاست که به وسیله مسئولان در حوزه آسیب‌های اجتماعی به‌خصوص کودکان کار انجام می‌شود. این طرح در مجموع به کودکانی پرداخته که در خیابان کار می‌کنند. باتوجه به توضیحات زیر مشخص می‌شود که تدوین‌گران و ارائه‌دهندگان طرح فقط به چارچوب‌های طرح نویسی توجه داشته‌اند و در خصوص گروه هدف و خصوصیات زندگی و اجتماعی آنها مطالعه‌ای صورت نگرفته است. کودکانی که در خیابان‌های شهرهای بزرگ و کوچک حضور دارند دو دسته‌اند؛ کودکان کولی، غربتی یا چوکی‌ها که با تعریف طرح همان کودکان ایرانی ارتشکلی می‌دهند و سبک زندگی و فرهنگ شان به هیچ وجه با چارچوب این طرح و طرح‌های این چنینی سازگاری ندارد. بخش دیگری از کودکانی که در خیابان کار می‌کنند کودکان افغانستانی هستند که قربانی جنگ، مهاجرت اجباری از وطن، بی‌عدالتی و تبعیض در سرزمین میزبان و... شده‌اند و مجموعه‌ای از عوامل باعث شده تا خانواده‌های افغانستانی همگی درگیر کار شوند. بر اساس این طرح چه نوع توانمندسازی قرار است انجام شود؟ اغلب مادران و دختران خانواده‌ها که درگیر بسته‌بندی یا حقوق ناچیز در اشتغال خانگی هستند، پسران خانواده‌ها هم مشغول انواع اشتغال خیابانی و کارگاهی هستند. این خانواده‌ها بیشتر قربانی بی‌عدالتی هستند تا نیازمند طرح‌های ساماندهی.

نهادهای مدنی و انجمن‌های حامی کودکان کار به کودکان و خانواده‌های آنان بها می‌دهند، زمینه‌های آموزش و تحصیل کودکان را فراهم می‌کنند و با ایجاد اشتغال برای زنان و دختران آنان را از استثمار در کارهای خانگی نجات می‌دهند و در مجموع تلاش آنها به سوی دسترسی به حداقل‌های عدالت اجتماعی برای این خانواده‌هاست. نهادهای مدنی ثابت کرده‌اند که در حوزه آسیب‌های اجتماعی، کودکان و زنان و... همواره از سازمان‌های دولتی جلوترند، دولت فخمیه به جای بازتعریف چندین باره طرح‌های شکست‌خورده با اسامی مختلف، ائتلاف منابع مالی و انسانی و... فعالیت نهادهای مدنی را به رسمیت بشناسد، به آنان اعتماد کند و بودجه‌ی چشم‌داشت‌گرنش از این نهادها به آنان پرداخت کند. □

یادداشت

باندهایی کودکان خیابان را قاجاق می‌کنند



فاطمه اشرفی | اصل سیاست و طرح جدید نیست اما برخی شیوه‌نامه‌های اجرایی تغییر کرده است. در اصل ماجرا که باید از این کودکان حمایت کرد و از کار و استثمار این بچه‌ها جلوگیری کرد، شکی نیست. اگر فرض را می‌گیریم که مسائل اقتصادی خانواده بر دوش این بچه‌هاست، در مقابل آمارها و پژوهش‌هایی وجود دارد که می‌گوید بیشتر از آنکه کار کودک انتفاعی برای کودک یا خانواده داشته باشد، ضرری بزرگ بر کودکی کودک و حتی از بین برنده آینده او است. حتی برای دسترسی به منافع کوتاه‌مدت نباید منافع عالیه کودک نادیده گرفته شود. این به عنوان یک اصل و سیاست سال‌هاست مورد حمایت است اما اینکه چرا تاکنون به نتیجه نرسیده است دلایل متعددی دارد. حداقل در استان تهران بالاترین نرخ کودکان کار یعنی بالای ۸۶ درصد را کودکان اتباع خارجی انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد انتفاع کار کودک به حدی بالاست که عده‌ای کودکان شان را برای کارکردن به ایران بفرستند و این مسأله روز به روز افزایش پیدا می‌کند. در مورد ۱۳، ۱۴ درصد کودک کار ایرانی هم باید بررسی شود که تحت چه شرایطی به کار گرفته می‌شوند، از خانه خارج و به کار گمارده می‌شوند در کنار همه اینها با شناسایی و غربالگری می‌توانند راهکاری برایشان انجام داد. تا زمانی که غربالگری انجام و برابری بچه پرورنده مددکاری تشکیل نشود، نمی‌توان برای هر بچه راهکار مناسبی ارائه داد. منظور از غربالگری این است که بچه‌ها و مسائل و مشکلات شان و شرایط خانواده آنها شناسایی شوند. امروز بخش زیادی از مشکلاتی که در جامعه خودمان داریم ملی نیست و آثار آسیب‌های اقتصادی کشورهای همسایه است که در حال سراریز شدن در جامعه ماست. اما آمار می‌گوید بیشتر از آنکه ما بخواهیم به چالش‌های داخلی پاسخ دهیم، درگیر چالش‌های سیاسی منطقه‌ای هستیم.

یکی از دلایلی که موجب شده است این طرح‌ها به نتیجه نرسد، فقدان شناخت مناسب از پدیده‌های اجتماعی است. سال گذشته ما با کار پژوهشی سعی کردیم مختصات این بچه‌ها را به مسئولان بدهیم که مشخص شود راهکار مناسب برای گروه‌های مختلف چیست. مسأله دوم عدم هم‌افزایی دستگاه‌های مختلف است. این پدیده پیچیده است و اگر هم برای این مسأله اراده وجود دارد باید دستگاه‌ها به کمک بیایند. نکته بعدی این است که ابعاد فرهنگی و اجتماعی در این مسأله کمتر دیده شده است. متأسفانه کارکردن کودکان خارجی تبدیل به فرهنگ اجتماعی شده و این موضوع در سایه سکوت اتفاق افتاده است. من خانواده‌های مختلفی را می‌شناسم که به کار کودک به چشم ارزش اجتماعی نگاه می‌کنند، بدون اینکه نیاز چشم‌گیری به پول داشته باشند. کار پژوهشی که درباره کار کودکان انجام شد، نشان داد شاید در بهترین شرایط ۱۵ درصد از خانواده‌های آنها نیاز به کار کودک داشتند و بقیه کودکان صرفاً به واسطه یک فرهنگ اجتماعی به کار کودک اهتمام می‌کردند. اینها در درازمدت به انجام کار مختلف نیاز دارد و مستلزم این است که چقدر خیابان‌ها آماده نپذیرفتن این کودکان هستند. نکته دیگر این است که فرصت‌های زیادی برای سوءاستفاده از کودک حتی با وجود تفاوت چشمگیر نرخ ارز وجود دارد. به هر حال باندهایی هستند که این کودکان را قاجاق می‌کنند و در هیچ جای دنیا این‌گونه نیست که کودکان کار بخواهند به آسانی در خیابان تردد کنند و همه جا دولت‌ها آنها را شناسایی کرده و تحت حمایت قرار می‌دهند. باید ببینیم بهزیستی با چه ابزار و مکانیزم‌هایی وارد شده و آیا ضعف‌های زیرساختی را که سال گذشته با آنها مواجه بود، حل کرده است یا با همان ساختار قبلی با آن مواجه شده است. من فکر می‌کنم صلاح عمومی و فردی بچه‌ها این است که مورد حمایت اجتماعی قرار بگیرند و این حمایت اجتماعی در خیابان انجام نمی‌شود. کلیت ماجرا که این بچه‌ها در سطح خیابان تکدی‌گری و زباله‌گردی می‌کنند، نافی حقوق کودک است. سیاست کلانی که اتخاذ شده خوب است اما برای موفقیت طرح باید از نیروهای متخصص و کارشناس استفاده و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری درستی به کار گرفته شود. □

روند اجرای طرح را چند مرحله‌ای کرده است و مرحله اول آن شناسایی جامعه محیط است، به جز آن شناسایی و جذب و پذیرش را در مرحله آخر پیگیری و نظارت بعدی را عنوان می‌کند و در قسمت توانمندسازی هم برخلاف طرح‌های قبلی یک سری روش‌های عملی‌تر گذاشته و سعی کرده روی کودک و خانواده‌ها تمرکز کند؛ یعنی سعی کرده مسأله را ریشه‌ای‌تر ببیند و یک جاهایی از نگاه امنیتی دست برداشته است. اما همچنان با رویکرد مثبتی که به آن احتیاج داریم و برنامه‌ریزی برای رسیدن به یک سیستم رفاهی اقتصادی مطلوب فاصله داریم. به نظر مشکلات اجرایی زیادی خواهد داشت، بودجه کافی قطعاً نخواهد داشت و متأسفانه سازمان بهزیستی توان تخصصی آن را هم ندارد. بنابراین در عمل به آنچه تاکنون اتفاق افتاده است، نزدیک می‌شود. در این طرح بین کودک ایرانی و غیر ایرانی تفکیک قایل شده و برای رد مرز پیش‌بینی صریح کرده است؛ یعنی می‌خواهیم یک سیستم تهاجمی پیش بگیریم و این طرح در مغایرت با اصل عدم تبعیض است که در پیمان‌نامه حقوق کودک به رسمیت شناخته شده و در مغایرت با اسناد بین‌المللی است. در عمل هم می‌دانیم رد مرز نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه فقط چرخه آسیب را ادامه می‌دهد. همچنین می‌توان در سازوکارهایی که برای توانمندسازی پیش‌بینی شده تردید کرد؛ مثلاً ضمانت اجرایی جدایی کودک از خانواده در شرایط تکرار فرآیند پذیرش پیش‌بینی شده که برخلاف هدف ذاتی حمایت از کودک کار است. نکته دیگر اینکه سازمان‌های مردم‌نهاد از نقش نظارتی درآمده و به بازوی اجرایی رسیده‌اند.

●●●۴ در برنامه‌های بلندمدت برای مقابله با کار کودک باید سراغ حل ریشه‌ها رفت؛ به جای اینکه تأکید کنیم باند و قاجاق وجود دارد باید بگوییم چرا وجود دارد و چرا جلوی آن گرفته نمی‌شود. با همان‌طور که در مقدمه آمده بگوییم چرا کار می‌کنند؛ یعنی فقر و آسیب‌ها منجر به ایجاد کودک کار شده، سیاست‌گذاری‌ها مشکل دارد و تا وقتی این سبک سیاست‌گذاری وجود دارد تغییری نمی‌بینیم؛ اصلاً چرا در این طرح‌ها باید کودک را پذیرش کنیم، از خانواده جدا کنیم و بعد توانمند کنیم. اگر ما این همه توان داریم خب کودک کار را در محیط خودش توانمند کنیم. ایرادهای ساختاری وجود دارد که ما باید برای رفع آن به سمت ایجاد سیاست‌گذاری برویم.

فقر نادیده گرفته نشود

فرشید یزدانی



●●●۱ حتماً لازم است چون یک آسیب اجتماعی است و می‌توانیم با آن برخورد کنیم و به سمت حل مسأله برویم، حالا اینکه طرح‌ها چگونه باشد یک بحث دیگر است.

●●●۲ تفاوت کلی دارد اما نمی‌توانیم بگوییم معنای آنچنانی دارد.

●●●۳ نکته مثبت این طرح بحث حمایت‌های اجتماعی است و می‌خواهد به جای نگاه پلیسی و نوع مبلمان شهری به بچه‌ها آنها را وارد چرخه حمایت اجتماعی کند. نکته منفی نگاه حذفی است؛ دستگیری و رد مرز در این مجموعه عین همان برخوردهای قبلی است.

●●●۴ باید در فرآیند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تا حد ممکن به ریشه‌های مسأله توجه داشته باشیم. درست است که در طرح این چنینی نمی‌توانیم ریشه‌ها را حذف کنیم اما باید ببینیم چه عامل ریشه‌ای مهم‌تر است و در حدی که می‌توانیم با آن برخورد کنیم. طبیعتاً انتظار از بهزیستی این نیست که به مناسبات اقتصادی و سیاسی ورود کند یا ایجاد اشتغال کند اما انتظار می‌رود نابرابری و فقر در خانواده‌ها در این مسأله دیده شود. اگر قرار است کودکان کار نکنند باید اقدامات حمایتی از خانواده‌ها صورت گیرد. یکی از بحث‌ها این است که چه حمایت‌های اجتماعی می‌توان از خانواده‌ها کرد؛ فارغ از اینکه کودک مهاجر باشد.

مهم‌ترین اظهارات کارشناسان درباره طرح «حمایت‌های اجتماعی از کودکان کار و خیابان، برنامه اقدام و عمل (رویکرد خانواده محور)»

نام	انتقادها به طرح حمایت‌های اجتماعی	ویژگی‌های یک طرح مناسب
آرش نصرآصفهانی جامعه‌شناس	- دستگیری و اخراج کودکان مهاجر غیرمترعارف با عنوان حمایت اجتماعی - جرم‌انگاری فقر	- شروع منع کار کودک از مشاغل سخت - برنامه‌های کاهش آسیب برای مشاغل ساده‌تر - بهبود شرایط زندگی خانوار - معازات برای به کارگیرندگان کودک
شری نجفی مدیرانجمن یاری کودکان در معرض خطر	- با عنوان کارگاه‌های خانوادگی و خویشاوندی از عنوان کار خانگی چشم‌پوشی شده است - تحمیل ترس و بی‌پناهی و تبعیض به کودکان اتباع - نگاه سطحی به کاهش آسیب	- ایجاد شغل برای خانواده‌ها با حمایت و تأمین اجتماعی پایدار - طرحی بدون تبعیض جنسیتی، ملیتی، قومیتی
حمید فراهانی پژوهشگر اجتماعی و فعال مدنی	- نادیده گرفتن کامل اسناد حقوقی لازم‌الاجرا و معتبر در مورد کودکان و پناهجویان - جدا کردن کودک از خانواده بدون رویه قضائی نامعتبر و ناعادلانه از نظر قانون - تعریف نقش سازمان‌های غیردولتی در مقام جاسوس اطلاعات کودکان و نادیده گرفتن اصل حرفه‌ای- اخلاقی محرمانگی در مددکاری - توجه به کودکان کار در خیابان - تعریف نقش سازمان‌های غیردولتی در مقام جاسوس اطلاعات کودکان و نادیده گرفتن اصل حرفه‌ای- اخلاقی محرمانگی در مددکاری	- تمرکز بر علت کار کودک (فقر) به صورت ساختاری - باز نشدن پای نهادهای تأمین، امنیتی و انتظامی - مکرر موارد کودک‌آزاری - نظارت سازمان‌های مدنی مستقل در تمام مراحل - حمایت تأمین اجتماعی بی‌فید و شرط - اقدامات تسکینی به کودک و خانواده
میثم هاشم‌خانی پژوهشگر اقتصادی	- بحث اصلی توزیع بودجه بین سازمان‌ها و گروه‌هاست نه حل مسأله - تضاد با موازین اخلاقی به دلیل تأکید بر جمع‌آوری و اتباع بیگانه	- واقع‌بینی - اصلاح قوانین تابعیت، فرزندخواندگی و قوانین سازمان‌های مردم‌نهاد - کار کودک با فقر در ارتباط است
علی‌اکبر اسماعیل پور مدیرانجمن آوای ماندگار دروازه غار	- فقط به اشکال آشکار کار کودک پرداخته شده - موازی‌کاری با شهرداری در مورد کودکان زباله‌گرد - بازتعریف طرح‌های شکست‌خورده قبلی با نام دیگر	- خانواده‌های این کودکان بیشتر قربانی بی‌عدالتی‌اند تا نیازمند طرح‌های ساماندهی - دولت فعالیت نهادهای مدنی را به رسمیت بشناسد - بودجه بدون چشم‌داشت‌گرنش به این نهادها بدهد
حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران	- از نظر ماهیتی نکته جدیدی ندارد و همان پروسه مددکاری اجتماعی سابق است - با توجه به منابع امکان حمایت همه‌جانبه وجود ندارد	- مشکل اصلی جایی است که فقر تولید می‌شود - باید نظام چندلایه تأمین اجتماعی داشته باشیم
مونیکا نادانی وکیل دادگستری	- مشکلات اجرایی خواهد داشت؛ بودجه کافی نخواهد بود و توان تخصصی هم در بهزیستی وجود ندارد - در مقابل کودکان غیرایرانی رویکرد تهاجمی در پیش گرفته - در سازوکارهای توانمندسازی آن می‌توان تردید کرد - آن‌جا می‌توان از نقش نظارتی به بازوی اجرایی تبدیل کرد	- باید سراغ حل ریشه‌ها و سیاست‌گذاری درست رفت
فرشید یزدانی رئیس انجمن حمایت از حقوق کودکان	- نگاه حذفی و طرح مسأله دستگیری و رد مرز کودکان اتباع	- توجه به ریشه‌ها در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی - اقدامات حمایتی از خانواده کودکان
فاطمه اشرفی مدیرعامل انجمن حامی زنان کرد. و کودکان پناهنده	باید ببینیم آیا بهزیستی ضعف‌های زیرساختی سال گذشته را حل کرده یا خیر. فعلاً نمی‌توان آن را قضاوت باید با چالش‌های سیاسی منطقه‌ای مواجه شویم هم‌افزایی دستگاه‌ها لازم است	- باید غربالگری انجام شود و هر کودکی پرونده مددکاری داشته باشد باید با چالش‌های سیاسی منطقه‌ای مواجه شویم هم‌افزایی دستگاه‌ها لازم است